[خطبه‌ی اول 2](#_Toc461122114)

[سیری در زندگی امام هادی7 3](#_Toc461122115)

[یک تصویر کلی از زندگی امام هادی7 4](#_Toc461122116)

[امامت امام هادی7 در کودکی 4](#_Toc461122117)

[امام هادی7 و جنایات متوکل عباسی 4](#_Toc461122118)

[پدیدار شدن سقوط حکومت بنی‌عباس و فشارهای زیاد به ائمه‌ی طاهرین: 5](#_Toc461122119)

[علل محدودیت‌های زیاد سه امام بعد از امام رضا7 از سوی دستگاه بنی‌عباس 5](#_Toc461122120)

[نفوذ خارق‌العاده‌ی امام هادی7 بر دشمنان اهل‌بیت: 7](#_Toc461122121)

[زیارت جامعه‌ی کبیره، میراث عظیم امام هادی7 8](#_Toc461122122)

[خطبه‌ی دوم 10](#_Toc461122123)

[شهادت امام هادی7 10](#_Toc461122124)

[آمادگی برای استفاده‌ی بیشتر از ماه‌های رجب، شعبان و رمضان 10](#_Toc461122125)

[اتفاقات رخ داده در عراق و نجف اشرف 11](#_Toc461122126)

[مقاومت‌های پیش‌بینی نشده‌ی آمریکایی‌ها توسط مردم عراق 11](#_Toc461122127)

[اشغال‌گر دانستن آمریکایی‌ها توسط مردم عراق 11](#_Toc461122128)

[آمریکا و ترس از به قدرت رسیدن شیعیان 12](#_Toc461122129)

[نقش آمریکا و کشورهای غربی در ماجراهای رخ داده 12](#_Toc461122130)

[**دعا** 13](#_Toc461122131)

خطبه‌ی اول

السلام علیکم و رحمة الله

**أَعُوذُ بِاللَّـهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ بِسْمِ اللَّـهِ الرَّحْمَـنِ الرَّحِيمِ**. نحمده علی ما کان و نستعینه من امرنا علی ما یکون و نؤمن به و نتوکل علیه و نستغفره و نستهدیه و نعوذ به من شرور انفسنا و سیئات اعمالنا و نصلی و نسلم علی سیدنا و نبینا ابی القاسم محمد و علی آله الاطیبین الاطهرین، سیما بقیة الله فی الارضین.

**أَعُوذُ بِاللَّـهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ بِسْمِ اللَّـهِ الرَّحْمَـنِ الرَّحِيمِ (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّـهَ حَقَّ تُقَاتِهِ وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنتُم مُّسْلِمُونَ)[[1]](#footnote-1)** **عبادَالله اُوصیَکُم وَ نَفسیِ بِتَقوَی الله وَ مُلازِمَة امرِه وَ مُجانِبَة نَهیِه وَ تَجَهَزوا عِبادَالله فَقَد نُودِیَ فیکُم بِالرَحیل[[2]](#footnote-2) (وَ تَزَوَدوا فَإِنَّ خَیرَ الزاد التقوی)[[3]](#footnote-3)**

همه شما نماز گزاران گرامی، برادران و خواهران ارجمند و خودم را به پارسایی، پرهیزکاری و فرمان‌بری از خداوند در همه‌ی احوال و شئون زندگی، سفارش و دعوت می‌کنم و از خداوند می‌خواهیم که درهای حکمت و بندگی و پارسایی را به روی همه ما بگشاید. امیدواریم خداوند همه‌ی ما را از بندگان وارسته و شایسته‌ی خود قرار بدهد.

## سیری در زندگی امام هادی7

همان طور که مستحضر هستید بنابر برخی از اقول، امروز روز شهادت دهمین امام معصوم ما، حضرت امام هادی7 است. در تاریخ تولد و شهادت ایشان اختلافاتی هست؛ اما یک قول این است که امروز روز شهادت امام هادی7 است. طبیعتاً در چنین روزی و در این ماه گرامی، وظیفه و ادب اقتضا می‌کند که سخنان خود را در خطبه‌ی اول به شخصیت امام هادی7 و روشن‌ساختن زوایایی از زندگی ایشان بپردازیم. در زندگی ائمه‌ی طاهرین و از جمله امام هادی: در ابعاد مختلف سیاسی اخلاقی فرهنگی، نکات و درس‌های فراوانی وجود دارد که در این فرصت به مناسبت شهادت این امام عزیز، من به نکاتی در زندگی و اخلاق و رفتار و سیره‌ی امام هادی7 اشاره می‌کنم.

**قدرت و نفوذ امامان بر تغییر و اصلاح دیگران**

از جمله نکاتی که در زندگی ائمه‌ی طاهرین: بسیار بارز و برجسته است، نفوذ امام و قدرت امام بر تغییر و اصلاح دیگران است. معمولاً ائمه‌ی طاهرین: ما از چنان عظمت و امتیاز و برجستگی برخوردار بودند که هر گاه حجاب‌ها و موانع کنار می‌رفت و مردم با این چهره‌ها و شخصیت‌ها مرتبط می‌َشدند، حتی انسان‌های ستم‌پیشه هم تحت تاثیر معنویت و اخلاق و کرامت و بزرگواری شخصیت این‌ها قرار می‌گرفتند. این‌ها ستارگان درخشان، خورشیدهای فروزانی بودند که غالبا بی‌اعتنایی یا دشمنی به آن‌ها به جهل و عدم ارتباط با این چهره‌های نورانی برمی‌گشت و هر گاه حجاب‌ها و موانعی که ستم‌پیشگان و دستگاه‌های جبار زمان گرد این ائمه افکنده بودند کنار می‌رفت، برخورد مردم و حتی عوامل دشمن با این چهره‌های نورانی، موجب دگرگونی افراد و تغییر نگاه و نگرش دیگران به ائمه‌ی طاهرین: می‌شد. در زندگی امام هادی7 با این که زندگی طولانی نبوده است -چون سن امام هادی7 بین 40-41 سال دور می‌زند اختلاف اقوال وجود دارد- ولی مجموعا در حدود یک سال، اختلاف هست. اصولا بین 40-41 و چند سال بیشتر قولی وجود ندارد.

### یک تصویر کلی از زندگی امام هادی7

امام هادی7 دو ویژگی دارند که چند تن از امامان دیگر نیز در این ویژگی‌ها شریک بودند.

#### امامت امام هادی7 در کودکی

یکی امامت در کودکی و در حدود سنین 7-6 سالگی امام هادی7 و بعد از شهادت امام جواد7 به امامت رسیدند و حدود چهل سالگی یا چهل و اندی داشتند که به شهادت رسیدند. عمر ایشان بر حسب ظاهر، عمر کوتاهی است و امامت ایشان هم در کودکی بوده است. همان طور که برخی از ائمه‌ی طاهرین دیگر هم در کودکی به امامت رسیدند و بعضی دیگر از ائمه هم در همین حدود یا کمتر داشتند که به امامت رسیدند. به این ترتیب زندگی امام هادی7 را می‌توان به چند دوره تقسیم کرد. دوره‌ی کودکی که در زمان امام جواد7 بود که همان دوره‌ی کودکی و 6-7 سال عمر شریف ایشان است. یک دوره‌ی بعد هم دوره‌ی بیست و چند سال امامت ایشان هست که آن هم به دو بخش کلی تقسیم می‌شود؛ قسمتی که در مدینه بودند و بخش دیگری که در سامرا و تحت نظر دستگاه خلافت عباسی بودند. این ادوار زندگی امام هادی7 است.

#### امام هادی7 و جنایات متوکل عباسی

دوره‌ی کودکی در زمان امامت امام جواد7 و دوره‌ی امامت ایشان که در مدینه بودند و دوره‌ای از امامت ایشان که به سامرا فراخوانده شدند و به اجبار در آنجا به سکونت گزیدند که در این دوره تحت نظر و مراقبت شدید دستگاه خلافت عباسی بودند. در طول این دوره‌ی چهل سال، امام هادی7 بیش از ده خلیفه‌ی عباسی را درک کرده و زمان خلافت متوکل که از خون‌خوارترین حاکمان بنی عباس بود، را نیز تجربه کرده است. این دوره‌ی عمر کوتاه، اما هم زمان با چند خلیفه‌ی عباسی و بخصوص خلیفه‌ی جباری مثل متوکل که ویژگی‌های او به لحاظ قساوت و جباریتی و به لحاظ دشمنی و عداوت ویژه‌ای که نسبت به خاندان اهل بیت: داشت، در تاریخ ذکر شده است. همان طور که می‌دانید قبر مبارک امام حسین7 چند بار به طور کلی تخریب شده است و یکی از این دفعات، در دوره‌ی متوکل واقع شده است. آن طور که در تاریخ ثبت شده، متوکل قبر را تخریب کرد و به سراسر آن منطقه‌ای که قبر آنجا بود، آب بست و می‌خواست که قبر را مخفی کند و برخی به صورت پنهانی علامت‌گذاری کردند و جای قبر مطهر امام حسین7 را شناسایی کردند و بعدها بازسازی کردند. تحمل دیدن این که بارگاه سالار شهیدان، ملجأ و ماوای امت اسلامی شود و به صورت یک عبادتگاه بزرگی در بیاید و مردم عشق و ارادت خود را به خاندان پیامبر، با حضور بر مزار مطهر سالار شهیدان کنند را نداشت و به همین دلیل، اوج عداوت او این بود که قبر مطهر را محو کرد و آثار آن را از بین برد و به صورت یک زمین صاف و بی‌نشان در آورد. در هر حال، این ادوار زندگی امام هادی7 است که فراز و نشیب‌های مختلف را تجربه کرده است و از جمله دوره‌ی بسیار سخت و تلخ حکومت متوکل است.

#### پدیدار شدن سقوط حکومت بنی‌عباس و فشارهای زیاد به ائمه‌ی طاهرین:

در همین دوره، به دلیل این که حکومت بنی‌عباس به نحوی رو به سقوط می‌رفت و نشانه‌های سقوط، برای حکومت بنی‌عباس بیشتر می‌شد گاهی قصاوت آن‌ها نیز بیشتر می‌شد. با شدت تمام نهضت‌های علوی را سرکوب می‌کردند و مخالفت‌ها را از بین می‌بردند؛ به خاطر ترسی که نسبت به حکومت خود پیدا کرده بودند. این دوره‌ی سخت را امام7 طی کردند؛ به خصوص در مراحل آخر عمر شریف خود که در سامرا بودند. گاهی زندانی می‌شدند و وقتی هم که زندانی نبودند در حصر و محدودیت‌های فراوان بودند که شیعیان به هیچ وجه جرات ملاقات با امام هادی7 و بعد امام عسکری7 را نداشتند. داستان‌های متعددی نقل شده است. زمانی که امام هادی و امام عسکری در سامرا بودند افرادی که برای دیدن امام از مناطق مختلف می‌آمدند، باید با مخفی‌کاری‌های مختلف، امام را ملاقات می‌کردند و مسائل خود را می‌پرسیدند. بخصوص در اواخر عمر امام هادی7 و در زمان حضور ایشان در سامرا، که افزایش پیدا کرده بود و آن هم به دلیل ترسی بود که در دستگاه عباسی نسبت به این خاندان داشتند. این یک شمای کلی از ادوار زندگی امام هادی7 است که طبعا در دوره‌ای که در مدینه بودند از آزادی بیشتری برخوردار بودند و هنگامی که به سامرا منتقل شدند، در حقیقت زندانی بودند منتها گاهی محصور در خانه بودند و در برهه‌هایی هم به زندان رفتند. این شمای کلی امام هادی7 است.

#### علل محدودیت‌های زیاد سه امام بعد از امام رضا7 از سوی دستگاه بنی‌عباس

در زندگی ائمه طاهرین، نکات فراوان بسیار الهام‌بخش و آموزنده وجود دارد که یکی از آن‌ها این است که هر گاه محدودیت‌ها کنار می‌رفت و مردم با اخلاق و منش این بزرگواران مواجه می‌شدند، سر تسلیم فرود می‌آوردند و به عظمت آن‌ها اعتراف می‌کردند و در بسیاری از مواقع تحت تأثیر شخصیت آن‌ها قرار می‌گرفتند. همین، باعث محدودیت‌های فراوان از سوی دستگاه بنی‌عباس بود و به‌خصوص سه چهار امام اخیر و بعد از جریان ولایت عهدی امام رضا7 این حلقه‌ی محاصره و محدودیت‌های ائمه‌ی طاهرین یعنی امام نهم و دهم و یازدهم کاملا زیادتر شد. شما اصولا زندگی ائمه‌ی طاهرین را با دیدگاه‌های مختلف و با تقسیم‌های مختلف دیده‌اید.

1. **ولایت‌ عهدی امام رضا7**

یکی از نکات و نقاط عطف، در دو سه قرن امامت امامان شیعه، ولایت عهدی امام رضا7 بود. ولایت عهدی که به زور، تحمیل شد در دل خود یک پیام بزرگی را به همه داد و آن این بود که این خاندان از چنان ظرفیت و عظمتی برخوردار هستند که اگر اندکی محدویت‌ها و حصارها کاسته شود، شعاع وجودی آن‌ها و پر علم و دانش و معرفت آن‌ها جامعه را تسخیر می‌کند. این حقیقت، برای دستگاه بنی‌عباس در جریان ولایت عهدی امام رضا7 به خوبی مشخص شد. شاید خود مامون و اطرافیان دستگاه او نمی‌دانستند که باز کردن فضای سیاسی و اجازه دادن به بروز شخصیت کسی مانند امام رضا(ع) این قدر بازتاب داشته باشد و موج بیافریدند و افراد را به آن‌ها سوق دهد. می‌دانید که بعد از ولایت عهدی، مامون به فکر ضربه‌ی آخری افتاد و در آخر نیز کار خود را انجام داد. قصه‌ی ولایت عهدی امام رضا7 و طلوع شخصیت بزرگ امام رضا7 درس تازه‌ای به دستگاه جور بنی‌عباس و به مخالفان خاندان امامت و ولایت داد و آن درس این بود که این خاندان، اگر تحت حجاب‌ها و فشارها قرار نگیرند، نور آن‌ها خواهد درخشید و در جامعه موج ایجاد خواهد کرد. این دلیل تازه‌ای بود تا فشارها بیشتر شود. گاهی سوال می‌شود که دوره‌ی عمر ائمه‌، امام نهم و دهم و یازدهم عمر کوتاهی بوده است و در حبس بودن آن‌ها در این دوره نیز خیلی زیاد بود. علت این فشار زیاد و عمر کوتاه این چند امام بزرگوار، چند چیز بوده است که یکی از آن‌ها همین بوده است؛ یعنی ولایت عهدی امام رضا7 و گشوده شدن درهای جدید به روی خاندان رسالت، نشان داد که این‌ها اگر آزاد گذاشته شوند، جامعه را تسخیر خواهند کرد و امت اسلام را تحت نفوذ خودشان قرار خواهند داد و راه و رسم آن‌ها، انتشار پیدا خواهد کرد. این داستان موجب این شد که این‌ها در محدودیت و حصر بیشتری قرار بگیرند. یک علت دیگری هم هست که شاید سابقا در برخی از خطبه‌ها به آن اشاره کرده باشم. این محدودیت شدید این سه امام، چند علت دارد که یکی از آن‌ها همین است. ولایت عهدی امام رضا7 درسی به آن‌ها داد و نشان داد که ظرفیت این خاندان، ظرفیت بسیار بالایی است که آزاد گذاشتن آن‌ها به معنای نفوذ معنویت و سیاست و فرهنگ در سراسر جامعه است.

1. **نزدیک شدن ولادت امام عصر7**

عامل دوم این داستان این بود که احادیث و اخبار نشان می‌داد که تولد امام منتظر و مهدی موعود، حضرت حجه بن الحسن عسکری8 نزدیک است. اخبار و احادیثی که از پیامبر خدا نقل شده بود و مورد قبول همه‌ی گروه‌های اسلامی بود، تردیدی باقی نمانده بود که از این خاندان، امام منتظری متولد خواهد شد و این ترس جدیدی را در دستگاه خلافت بنی‌عباس ایجاد کرده بود که مبادا این فرزند متولد شود و در زمان آن‌ها، دستگاه خلافت آن‌ها را فرو بپاشد. البته عوامل دیگری هم هست اما این دو عامل علت این است که این سه امام، در محاصره‌ی بیشتری بودند. امام جواد، امام هادی و امام عسکری عمر کوتاه‌تر، حصر بیشتر و فشار زیادی را تجربه کردند و این به دلیل اولا تجربه‌ی ولایت عهدی امام رضا7 و ثانیا ترس آن‌ها از تولد امام زمان7 بود. این علل و عوامل، موجب این شد که این‌ها تحت فشار بیشتری باشند و همین هم این فشارهای شدید، موجب این شد که ما در این ائمه کمتر احساس کنیم که داعیه‌ی حکومت، ظهور پیدا کند؛ چون آن قدر فشار زیاد بود که امکان تشکیل حکومت نبود. زمان امام کاظم و حتی امام رضا8 گاهی نشانه‌هایی پدیدار می‌َشد که تصور می‌شد که این بزرگواران حاکمیت اسلامی را در دست بگیرند؛ ولی در اثر فشارهای زیاد و ترسی که از ولایت عهدی امام رضا پیدا شده بود و در اثر ترسی که نسبت به تولد امام زمان در دستگاه بنی‌عباس بود، به این دلائل، فشارها شدیدتر و ائمه هم فرصت برای وارد معرکه‌های اجتماعی برای ائمه پیدا نمی‌شد و امام هادی در متن چنین شرایطی که به این دلائل دو سه گانه‌، فشار بسیار شدید است. ضعف بنی‌عباس آن‌ها را به قصاوت بیشتر کشانده بود. تجربه‌ی ولایت عهدی امام رضا7 آن‌ها را به هوشیاری بیشتری واداشته بود و خوف از تولد امام زمان7 آن‌ها را به هراس بیشتری انداخته بود. این سه چهار عامل، موجب این شرایط شدید و سختی شده بود که اگر کسی مسئله‌ای هم داشت جرات مطرح کردن آن را هم نداشت. اما هر گاه این حجاب مقداری کنار می‌رفت و افرادی با این بزرگواران تماس بر قرار می‌گرفتند، تحت تاثیر قرار می‌گرفتند که من برای این نکته به چند نمونه اشاره می‌کنم. نمونه‌هایی که احتمالا کم و بیش شنیده باشید.

#### نفوذ خارق‌العاده‌ی امام هادی7 بر دشمنان اهل‌بیت:

بعد از شهادت امام جواد7 امام هادی7 هم در سنین کودکی به امامت رسید و همین، گاهی موجب خرده‌گیری افراد می‌شد که خود ائمه‌ی ما جواب این‌ها را داده‌اند به این که در پیامبران هم وجود داشته و در قرآن کریم هم آمده است که ما به برخی از پیامبران، در کودکی علم نبوت را دادیم و از طرف دیگر علم و معجزات خود را نیز نشان می‌دادند که جای شبه‌ای باقی نماند.

**امام هادی7 و استاد ناصبی**

زمانی که امام جواد به شهادت رسید، خلیفه‌ی وقت می‌خواست به نحوی این کودک را تحت تربیت خاص خود قرار دهد. شخصی را به نام جنیدی که از کسانی بود که با اهل بیت عداوت داشتند. می‌دانید که در اهل سنت، محبت اهل بیت قابل قبول و جا افتاده‌ است. گروه اندکی در میان اهل سنت بودند که با اهل بیت دشمنی داشتند. خلیفه‌ی وقت یک مربی ناصبی را برای تربیت این کودک قرار داد تا از کودکی او را منحرف کند. این مربی که از سوی خلیفه برای تربیت این کودک، منسوب شده بود، داستان‌های عجیبی نقل می‌کند و نهایت چیزی که او می‌گوید این است که من هر گاه خواستم یک جمله به او تفهیم کنم، دیدم که او ده برابر آن و به مراتب، بالاتر از آن را می‌داند و بارها و بارها در نشست‌هایی که با او داشتم، چیز از او فرا گرفتم و هیچ گاه احساس نکردم که این کودک، چیزی را نمی‌داند یا در فراگیری ادب و علم و دانش، نیازمند است؛ بلکه دقیقا رابطه‌ی من با این کودک معکوس شد. به جای این که من به او چیزی بیاموزم، از او می‌آموختم. به جای این که من او را تادیب کنم، او مرا ادب می‌کرد و نهایتا این فرد منسوب از طرف خلیفه که یک ناصبی سر سختی بود، به یکی از علاقمندان و دوستان امام هادی7 تبدیل شد و این قضیه برای خلیفه بسیار گران تمام شد. یک ناصبی را قرار داده بود تا افکار این کودک را تغییر بدهد. فرد بزرگسالی با علم و دانش فراوان، تحت تاثیر یک کودک قرار گرفته است و ویژگی عداوت او به ارادت و علاقه مبدل شده است. این یک نمونه‌ای است که هنگامی که کسی اجازه پیدا می‌کرد حتی یک ناصبی، تحت تاثیر اخلاق و کرامت شخصیت امام هادی7 قرار گرفت و روحیات او به طور کلی دگرگون شد.

**انتقال امام هادی7 از مدینه به سامرا**

نمونه‌ی دیگر همان چیزی که راجع به یحیی بن حرثمه شنیده‌اید. همان کسی که از ناحیه‌ی خلیفه، مامور بود که امام را از مدینه به سامرا منتقل کند. داستان این انتقال را شاید شنیده باشید. بعد از این که گزارش‌هایی به متوکل رسید که امام هادی7 از نفوذ فوق‌العاده‌ای در مدینه برخوردار شده است، امام جماعت مسجد مدینه، نامه‌ای به متوکل نوشت که اگر مدینه و مکه را می‌خواهی باید امام هادی7 را از اینجا ببری؛ چون او از نفوذ ویژه‌ای میان مردم برخوردار است. طبیعتا ترس تاریخی خلفای بنی‌عباس، خود را نشان داد و یحیی مامور شد تا امام را به سامرا منتقل کند. البته نامه‌ای که خلیفه به امام نوشته است در تاریخ هست و نامه، ظاهر خیلی مودبانه‌ای دارد و ظاهر نامه، از امام دعوت می‌کند تا به سامرا برود؛ اما از کسی مخفی نبود که ظاهر فریبنده‌ی نامه‌ای که به امام آمده است یک حیله‌ای بیش نیست. به هر حال یحیی مامور شد تا این ماموریت را انجام دهد؛ یعنی برای این که امام هادی را از مدینه به سامرا بیاورد، باید ماموران وفادار و متعصب و تندی را منسوب می‌کردند تا این ماموریت را انجام بدهند. کسانی که در این ماموریت بودند، در تاریخ ضبط شده است آن هم تاریخی که اهل سنت نوشته‌اند. در تاریخ ثبت شده است که همه‌ی این‌ها در طول دوره‌ی همراهی با امام، در مدینه و در طی راه تا زمانی که امام را به سامرا و دربار بنی‌عباس رساندند، معجزات و کرامات و اخلاق‌های بسیار زیبا و پسندیده‌ای دیدند که همه اعتراف کردند که این چهره دارای عظمت است. عبادت، کرامات و معجزاتی که از امام در طول راه دیدند را نقل کردند. باز می‌بینیم که فضایی که پیدا می‌شود، دشمنان نیز تحت تاثیر نفوذ خارق العاده‌ی فکر و معرفت و علم و دانش و اخلاق بزرگوارانه‌ی امام، قرار می‌گیرند.

**امام هادیی7 و مجلس شرب خمر خلیفه‌ی عباسی**

در تفتیش‌هایی که از خانه‌ی امام به عمل می‌آمد، وقتی که ماموران می‌رفتند و گزارشی می‌دادند این است که عبادت‌های این امام، ویژگی‌های روحی و اخلاقی این امام ما را تحت تاثیر قرار داده است و از این‌ها بالاتر این است که امام، در یک برهه‌ای از عمر خود، خلفا را دگرگون می‌کرد. متوکل، در صف اول خلفای بی‌رحم و پرده‌در حریم و حرمات الهی بود. اهل شرب خمر، مبتلای به عمل بسیار زشت و ناپسند شرب خمر که از اعمالی است که مورد تنفر اسلام و مذمت اسلام است و در روایات آمده است که یک قطره‌ی از آن را خوردن، بهشت را بر انسان حرام می‌کند. این قدر خمر و مشروبات، مورد نکوهش اسلام است. حالا دستگاه بنی‌عباسی که غرق در این گناهان و آلودگی‌هاست و از جمله متوکل که جزو پیشتازان این مفاسد و آلودگی‌ها و از جمله شرب خمر است. گاهی امام را به همان مجالس دعوت می‌کردند و با کمال وقاحت در همان جلسه‌ی مشهوری که شنیده‌اید به شرب خمر دعوت کرد که گوشت و پوست و خون ما به این خبائث حرام است و بعد همان داستان مشهور را شنیده‌اید که امام در همان جلسه‌ی لهو و لعب و آغشته‌ی به گناه و معصیت و جایی که شرب خمر در آنجا انجام می‌گیرد را آن اشعار مشهور را سرودند که آن شعر را حتما شنیده‌اید که از اشعار و موعظه‌های بسیار مهم ادبیات عرب است. تعبیری که در تاریخ نقل شده این است که مجلس به هم خورد و اشک از چشمان متوکل جاری شد و همه تحت تاثیر قرار گرفتند و بساط عیش و نوش و گناه، به هم ریخت و جمع شد. این هم نمونه‌ی دیگری است که در اینجا می‌بینیم. من در اینجا سخن را جمع کنم. در زندگی امام هادی7 هم نگاهی به ادوار تاریخی امام داشتیم و هم به علل و عواملی که موجب عمر کوتاه و حصرهای طولانی این سه امام پرداختیم و در نهایت هم به یکی از ویژگی‌های مهم ائمه که قدرت نفوذ و اثرگذاری معنوی آن‌ها بود که حتی گاهی ناصبی‌ها و دشمنان را نیز دگرگون می‌کرد و نمونه‌هایی از این را در زندگی امام هادی7 را ملاحظه کردید و فرازهایی از این نمونه‌ها و نمادهای تاثیرات امام هادی7 را شما ملاحظه کردید. این چند بحثی بود که راجع به امام هادی7 داشتم.

#### زیارت جامعه‌ی کبیره، میراث عظیم امام هادی7

نکته‌ی آخر هم این است که یکی از میراث‌های گران‌بهای امام هادی7 زیارت جامعه‌ی کبیره است که در اواخر مفاتیح آمده است. این زیارت از جامع‌ترین زیارت‌های ائمه‌ی هدی است و به ما توصیه شده که در همه‌ی عتبات چه از راه دور و نزدیک این زیارت را بخوانیم. زیارتی که بسیار طولانی و جامعه و زیبا و شیواست که از مواریث امام هادی7 است که در اختیار ماست و مناسب است که در ماه مبارک رجب، با این زیارت، رابطه‌ی خود را با اهل بیت عصمت و طهارت، تقویت کنیم. امیدواریم که خداوند به ما توفیق معرفت این بزرگواران و محبت آن‌ها و اطاعت از فرامین آن‌ها به ما عنایت بفرماید.

**(بِسْمِ اللَّـهِ الرَّحْمَـنِ الرَّحِيمِ أَلَمْ تَرَ كَيْفَ فَعَلَ رَبُّكَ بِأَصْحَابِ الْفِيلِ\*أَلَمْ يَجْعَلْ كَيْدَهُمْ فِي تَضْلِيلٍ\*وَأَرْسَلَ عَلَيْهِمْ طَيْرًا أَبَابِيلَ\*تَرْمِيهِم بِحِجَارَةٍ مِّن سِجِّيلٍ\*فَجَعَلَهُمْ كَعَصْفٍ مَّأْكُولٍ)[[4]](#footnote-4)**

صدق الله العلی العظیم.

خطبه‌ی دوم

أَعُوذُ بِاللَّـهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ بِسْمِ اللَّـهِ الرَّحْمَـنِ الرَّحِيمِالْحَمْدُ لِلَّـهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ و صلی الله علی سیدنا و نبینا ابی القاسم محمد و علی علی امیر المؤمنین و علی الصدیقة الطاهرة فاطمة الزهراء و علی الحسن و الحسین سیدی شباب اهل الجنة و علی ائمة المسلمین علی بن الحسین و محمد بن علی و جعفر بن محمد و موسی بن جعفر و علی بن موسی و محمد بن علی و علی بن محمد و الحسن بن علی و خلف القائم المنتظر. ساسة العباد و ارکان البلاد و ابواب الایمان و امناء الرحمن و سلالة النبیین و صفوة المرسلین و عترة خیرة رب العالمین صلواتک علیهم اجمعین.

**أَعُوذُ بِاللَّـهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ بِسْمِ اللَّـهِ الرَّحْمَـنِ الرَّحِيمِ ( يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّـهَ حَقَّ تُقَاتِهِ وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنتُم مُّسْلِمُونَ)[[5]](#footnote-5) عبادَالله اُوصیَکُم وَ نَفسیِ بِتَقوَی الله** بار دیگر همه‌ی شما و خودم را به پارسایی و پرهیزکاری دعوت می‌کنم. امیدواریم در این ماه‌های عزیز و گرامی، هر چه بیشتر حریم حرمت‌های الهی و دوری از گناهان و معصیت‌ها را مورد توجه قرار بدهیم و به عبادت و بندگی خداوند، عنایت و اهتمام بیشتری بورزیم.

## شهادت امام هادی7

شهادت امام هادی7 را به علاقمندان و ارادتمندان خاندان عصمت و طهارت، تسلیت عرض می‌کنم.

## آمادگی برای استفاده‌ی بیشتر از ماه‌های رجب، شعبان و رمضان

چند نکته در این خطبه لازم است که اشاره‌ای داشته باشیم. نخستین نکته، تاکید بر آمادگی و بهرمندی از فیوضات ماه‌های رجب و شعبان و رمضان است. همواره این نکته مورد تاکید بوده است که در میان ماه‌های سال، قدر این چند ماه را بدانید. این سه ماه، از درخشش ویژه‌ای در میان ماه‌ها برخوردار است. از اسرار الهی است که در این ماه‌ها زمینه‌های قرب و تکامل بیشتری برای انسان و بشریت، فراهم شده است و ما به بهرگیری از این فرصت‌ها مامور شده‌ایم و باید بکوشیم که از این ماه‌ها برای طی نردبان ترقی و تکامل، استفاده کنیم. ماه‌های رجب و شعبان هم در ذات خود ارزشمند هستند و هم مقدمه‌ای برای دست‌یابی به ضیافت ماه مبارک رمضان است. وقتی که ما به اخبار و احادیث مراجعه می‌کنیم، نکات بسیار آموزنده و شگفت‌انگیزی را پیرامون این ماه‌ها می‌بینیم. ثواب‌هایی که برای اعمال عبادی و تکالیف الهی در این ماه‌ها مقرر شده است، بسیار عجیب و فوق العاده است. ذکر‌ها و دعاها و مناجات و اعمالی که در این ماه‌ها مقرر شده است، ابزاری برای تکامل و ترقی ماست. در اوائل ماه عزیز و گرامی رجب، همه‌ی ما تصمیم بگیریم و عزم خود را جزم کنیم برای این که یک حساب خاصی را برای خود بگشاییم. این ماه‌ها ممتاز هستند و امتیاز انسان به این است که در این ماه‌های ممتاز، برنامه‌های خاصی برای خود داشته باشد. به ما برنامه داده‌اند. توصیه‌هایی که به ما شده بخصوص در ماه رجب برای استغفار آمده است همین یکی کافی است که بار گناهان ما را کاهش بدهد. استغفارهایی که در این ماه توصیه شده؛ ذکرها و تعلیماتی که در این ماه‌ها به ما آموخته شده است نباید مورد غفلت قرار بگیرد و امیدواریم که جامعه‌ و جوانان و همه‌ی ما تصمیم بگیریم که از لحاظ اخلاقی و معنوی خود را پاک‌سازی کنیم. پاکسازی درون، پاکسازی جامعه از گناه و آلودگی، نیاز به عبادت و برنامه‌ی عبادی دارد و ماه رجب بهترین فرصت و زمینه برای این برنامه‌ریزی است. کسی به ما تضمین نداده است که سال دیگر، ماه رجب و شعبان و رمضان را درک خواهیم کرد. شاید این آخرین فرصت‌هایی باشد که به ما سپرده شده است. این فرصت‌ها را باید غنیمت شمرد بخصوص دختران و پسران جوان ما در سنین جوانی، در مسیر سلوک معنوی و عرفانی و پیام‌های جذاب و پر ارزش ماه‌های رجب و شعبان و رمضان قرار بگیرند. این راه را شما خودتان به روی خود باز کنید. کتاب‌های دعا و کتاب‌های اخلاقی و کتاب‌هایی که در خصوص این ماه‌ و اعمال این ماه‌ها نوشته شده است، می‌تواند راه‌های نور و هدایت را به روی ما باز کند. امیدواریم که تصمیم بگیریم و توفیقات الهی هم ما را همراهی کند تا برنامه‌ی جدیدی در زندگی خود، در این ماه‌ها برنامه‌ریزی کنیم و بر اساس آن به خویشتن‌سازی و تکامل و تقرب الهی بپردازیم.

## اتفاقات رخ داده در عراق و نجف اشرف

نکته‌ی دوم، حوادث تلخ و بسیار زشتی است که امروز در عراق و در ساحت صحن شریف علوی در حال اتفاق هست. در این زمینه هم شنیده‌اید و هم از رسانه‌ها مطالبی را در جریان قرار گرفتید؛ اما در نماز جمعه و در کرسی خطابه‌ی نماز اجتماعی، سیاسی و عبادی جمعه، همدردی با شیعیان مظلوم عراق و مسلمانانی که تحت ستم قرار گرفته‌اند، از وظایف است. من در صدد این نیستم که به همه‌ی زوایای آنچه که در عراق و در نجف در حال اتفاق افتادن هست، اشاره کنم؛ اما ناچارم که به چند نکته اشاره‌ای داشته باشم.

### مقاومت‌های پیشبینی نشده‌ی آمریکایی‌ها توسط مردم عراق

در عراق، آمریکا مواجهه با مقاومت‌هایی خیلی بیش از آنچه که تصور می‌کرد قرار گرفت. آمریکا در سه چهار سال اخیر، در دوره‌ی حکومتی که بوش برای ایجاد خاورمیانه‌ی بزرگ و سیطره‌ِی بر منابع و معادن مادی و معنوی امت اسلامی و برای سرکوب نداهای آزادی‌خواه و آزادی‌بخش طراحی کرده است. در طرح خاورمیانه‌ی بزرگ آن‌ها، اموری پیش‌بینی شده است که یکی افغانستان و یکی عراق بود و طرح‌های دیگری که در دوره‌ی دوم می‌خواهد آن را پیگیری کند؛ اما شاید فکر می‌کردند که کار افغانستان و عراق ساده‌تر از آن است که رخ داد. اولا هم در افغانستان و هم در عراق با مقاومت‌هایی مواجه شدند که بخشی از آن را پیش‌بینی نمی‌کردند.

### اشغال‌گر دانستن آمریکایی‌ها توسط مردم عراق

از طرف دیگر نتایجی به بار نشست که برخی از آن‌ها برخلاف منافع آمریکا بود و به خصوص در عراق، حوادثی رخ داد که برای آن‌ها قابل پیشبینی با این ابعاد نبود؛ شاید در ابعاد کمتری پیشبینی می‌کردند اما با این ابعاد، پیشبینی نمی‌کردند. آمریکا علیرغم این که شر صدام را از مردم کم کرده اما آنقدر شر آفریده است که بین مسلمانان به عنوان اشغال‌گر شناخته می‌شود و مواجهه با مقاومت‌های متعددی است که در حال رخ دادن است.

### آمریکا و ترس از به قدرت رسیدن شیعیان

نکته‌ای که امروز در عراق مهم است این است که آمریکا احساس می‌کند که هر مسیری را که طی کند، نهایتا به قدرت گرفتن شیعه و اکثریت مردم عراق و مسلمانان می‌انجامد. این مخمصه‌ای است که آمریکا در آن گرفتار شده است. این دامی است که هر طرحی بریزد نهایتا پیشبینی می‌کند که در این دام بی‌افتد؛ برای این که اگر آمریکا بخواهد وارد انتخابات شود، پایان انتخابات و رای مردم در هر حال، اسلام است و اکثریت تشیع است. اگر هم بخواهد با قدرت و زور و برنامه‌ای که امروز پیش گرفته، اقدام کند نهایتا شورش همگانی مردم عراق و منطقه علیه تجاوز و اشغال آمریکاست. آمریکا در این پارادوکس و تناقض‌نما و دوراهی که به یک جا ختم خواهد شد، خود را گیر می‌بیند. طبیعتا همه‌ی تلاش خود را به کار می‌گیرد تا در این دام نافتد. متاسفانه در دنیای عرب هم کسانی خوشحالی و همراهی می‌کنند برای این که نگذارند اکثریت شیعه در عراق، قدرت بگیرید و حکومت را به دست بگیرد.

متاسفانه همراه با آمریکا، کشورهایی در خاورمیانه این را می‌پسندند و امروز فشار غیر قابل قبول را به نجف تحمیل کردند. طرح‌هایی ریختند در زمانی که مراجع بزرگ در نجف حضور ندارند. زمانی که آنچه که اتفاق افتاده است با روش‌های آسان‌تری قابل حل است. در حالی که در مسئله‌ِی فلوجه و تکریت خیلی کوتاه آمدند، در نجف فشار را شدیدتر کردند. آنچه که آمریکایی‌ها به دنبال آن هستند اولا صهیونیست‌ها و آمریکا خوششان می‌آید که مقدسات اسلامی، تحقیر شود. سرزمین بسیار معطر و مقدس نجف و خاک پاک نجف، مورد تجاوز قرار بگیرد. این کینه‌ی صهیونیست‌ها و دشمنان اسلام است که در اینجا می‌خواهد خود را نشان دهد. ثانیا طراحی کردند که شیعه به عنوان اکثریت عراق، در مجاری حکومت و مناسب حکومت قرار نگیرید. این چیزی است که از آن وحشت دارند.

### نقش آمریکا و کشورهای غربی در ماجراهای رخ داده

عراق، صد سال است که در نهضت‌های مختلف قرار گرفته و بارها شیعیان نهضت آفریدند و تا نزدیک حکومت آمدند اما مزدوران آمریکا در منطقه و قدرت‌های غربی مثل انگلیس و آمریکا مانع به قدرت رسیدن مردم عراق شدند. اگر آن‌ها پای دموکراسی و اکثریت ایستاند، بزرگان ما همکاری می‌کنند تا اکثریت بیایند و حرف خود را بزنند و طبیعتا حکومت شیعی روی کار می‌آید. فشاری که امروز در آنجا اعمال می‌شود که مجال توضیح بیشتر نیست که نیازی به این فشارها نیست؛ حتی اگر بگوییم که خلافی صورت می‌گیرد. هرگز نیازی به این نیست. آمریکا در افغانستان در موارد بسیاری کوتاه آمده است. در عراق هم در مسئله‌ی فلوجه خیلی کوتاه آمده است اما در نجف این طور مقاومت می‌کند. مزدوران خود را نیز واداشته‌اند که مقاومت کنند به دلیل این که هم نمادهای مقدس اسلامی تحقیر شود و هم این که خط سیر طبیعی که به حکومت اکثریت و حاکمیت شیعه در جهان عرب می‌انجامد، به آنجا نکشد. این چیزی است که آن‌ها تعقیب می‌کنند. برای گروه‌های تندرو جهان عرب و آمریکایی‌ها گران است که حکومت اسلامی، آن هم با چهره‌ی شیعی و مکتب اهل بیت در یک کشور عربی، روی پا بیاید. این فشارها برای این است و آنچه که برای همه‌ی ما، موجب تاثر شدید است هتک حرمت‌های الهی و عتبات عالیات و به نظر من، مهم‌تر این که این مظلومیت بر مردم عراق تحمیل می‌شود و تلاش، این است که مانع حاکمیت اسلام و حکومت شیعه بشوند. اکثریتی که این حق را دارند که به تناسب مردم عراق، در مناسبات حکومتی شرکت کنند. این‌ها نکاتی است در عراق وجود دارد و بسیاری از چیزهایی که در عراق اتفاق می‌افتد از جمله در نجف، شهرک صدر، عماره بهانه‌ای است برای این که آمریکا بیشتر در عراق بماند و برای این که منابع نفتی بیشتر در اختیارشان باشد و برای این که مسلمانان و شیعه به عنوان اکثریت، به حکومت نرسد. این‌ها بهانه‌هایی است در آن جهت و در راستای خاورمیانه‌ی بزرگ که بوش طراحی کرده است و تلاش می‌کند در دوره‌ِی دوم ریاست جمهوری خود آن‌ها را پیاده‌سازی کند. طبیعتا آگاهی مردم، هوشیاری مردم همین جوش و خروش و عزم و اراده و بصیرتی که باید در دنیای اسلام باشد، به یاری خدا می‌تواند علیرغم همه‌ی این مشکلات، بر این توطئه‌ها فائق بیاید.

**دعا**

نسئلک اللهم و ندعوک، باسمک العظیم الاعظم، الاعز الاجل الاکرم یا الله

خدایا دل‌های ما را به انوار ایمان روشن بفرما؛ اللهم اغفر للمومنین و المومنات والمسلمین والمسلمات؛ اللهم انصر الاسلام و اهله و اخذل الکفر و اهله؛ اللهم انصر جیوش المسلمین و عساکر المسلمین؛ خدایا خدمتگزاران به اسلام و مقام معظم رهبری و مراجع عظام را مؤید و منصور بدار؛ ارواح تابناک شهیدان و امام شهیدان و اموات و درگذشتگان و مراجع و علمای فقید ما و درگذشتگان این جمع را با اولیای خودت محشور بفرما؛ باران رحمت و برکاتت بر ما فرو بفرست؛ سلام ما را به محضر امام عصر7 ابلاغ بفرما؛ ما را از یاران او مقرر بفرما.

**( بسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ اللَّهُ الصَّمَدُ لَمْ يلِدْ وَلَمْ يولَدْ وَلَمْ يكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ)[[6]](#footnote-6)**

1. . سوره‌ی آل عمران، آیه‌ی 102. [↑](#footnote-ref-1)
2. . نهج البلاغة، خطبه 204، ص 234. [↑](#footnote-ref-2)
3. 2. سوره‌ی بقره‌ُ، آیه‌ی 197. [↑](#footnote-ref-3)
4. . سوره‌ی فیل، آیات 1تا 5. [↑](#footnote-ref-4)
5. . سوره‌ی آل عمران، آیه‌ی 102. [↑](#footnote-ref-5)
6. . سوره الاخلاص [↑](#footnote-ref-6)